

(فصل چهارم)

زندگی با هدف

"انسان نقشه های زیادی در سر می پروراند، اما نقشه هایی که مطابق با خواست خدا باشد اجرا خواهد شد." (امثال سلیمان ۱۹: ۲۱)

"اما داوود... به اراده خدا مردمان عصر خویش را خدمت کرد..." (اعمال رسولان ۱۳: ۳۶)

زندگی با هدف، تنها راهی است که می توان با انجام آن **حقیقتاً** زندگی کرد. بقیه چیزها صرفاً وجود دارند. اکثر مردم با سه مورد اولیه و اصولی در زندگی خود درگیر هستند: اولین آن، **خصوصیات و شخصیت** ایشان است: "من که هستم". دومین مورد **اهمیت داشتن** است: "آیا من به اندازه کافی اهمیت دارم؟" و سومین مورد، **تأثیر** است: "جای من در زندگی کجا است؟" جواب تمام این سؤالات در پنج هدف خداوند برای شما یافت می شود. در بالاخانه، در شبی که مسیح آخرین لحظات را سپری می کرد و با شاگردان مشغول صحبت بود، پاهای ایشان را شست و به ایشان فرمود: "**اکنون که اینها را می دانید، خوشبختانه اگر بدانها عمل کنید**" (یوحنا ۱۳: ۱۷) وقتی که می دانید خداوند از شما چه انتظاری دارد، با انجام دادن آن از طرف خداوند برکت دریافت خواهید کرد. حالا که به پایان این سفر چهل روزه رسیدید و می دانید که هدف خداوند برای زندگی شما چیست، اگر آنها را به انجام برسانید از خداوند برکت دریافت خواهید کرد!

شاید معنی این حرف من این باشد که از انجام کارهای دیگر دست بردارید. شما با زندگی خود "کارهای خوب" زیادی می توانید انجام دهید ولی حقیقت این است که انجام پنج هدف خداوند در زندگیتان ضروری ترین کاری است که **باید** به انجام رسانید.

متأسفانه خیلی راحت است که حواسمان به چیزهای دیگر جلب شود و آنچه را که بسیار اهمیت دارد فراموش کنیم. خیلی راحت است که از آنچه ارزش و اهمیت دارد جدا گردیم و به آرامی از آن دورتر و دورتر شویم. برای اجتناب و جلوگیری از وقوع چنین اتفاقی باید بیانیه هدفمندی را پرورش دهیم و در زندگی خود آنها را مستمراً تکرار کنیم و مرور نمائیم.

بیانیه هدفمند برای زندگی ما چیست؟

این بیانیه ای است که اهداف خدا را برای زندگی ما خلاصه می کند: با استفاده از کلمات خودتان تعهد خویش با خدا را تأیید می کنید و اهداف او را در زندگی به جا می آورید. یک بیانیه هدفمند شامل لیست مقاصد ما **نمی شود**. مقصود ما موقتی است ولی اهداف ما ابدی هستند. کتاب مقدس می فرماید: "**اما تصمیم خداوند قطعی است و نقشه های او تا ابد پایدار است**" (مزمور ۱۱۰: ۳۳)

این بیانیه ای است که به مسیر زندگی شما اشاره می کند: با نوشتن اهداف خود بر روی کاغذ خود را وادار می سازید که به طوری خاص در مورد مسیر زندگی خویش بیندیشید. کتاب مقدس می فرماید: "**مواظب راهی که در آن قدم می گذاری باش، همیشه در راه راست گام بردار تا در امان باشی**" (امثال سلیمان ۲۶: ۴) بیانیه هدفمند در زندگی شما نه تنها در مورد آنچه که قصد دارید با وقت و پول و زندگی خود انجام دهید، صحبت می کند بلکه همچنین اشاره به کارهایی دارد که نمی خواهید انجام دهید. در امثال سلیمان می خوانیم: "**هدف مردان عاقل تحصیل حکمت است، اما شخص نادان در زندگی هیچ هدفی ندارد**" (امثال سلیمان ۱۷: ۲۴)

این بیانیه ای است که "موفقیت" را برای شما تعریف می کند: این بیانیه به آنچه که ایمان دارید مهم هستند اشاره دارد و نه آنچه که دنیا معتقد است که اهمیت دارد. اینها ارزشهای شما را مشخص می کنند. پولس گفت: "**تا بتوانید چیزهای بهتر را تشخیص دهید**" (فیلیپیان ۱: ۱۰)

این بیانیه ای است که نقش شما را مشخص می کند: شما ممکن است در مراحل مختلف زندگی، نقشهای متفاوتی بر عهده داشته باشید، اما هدف شما هرگز تغییر نمی یابد زیرا آنها از هر نقشی که شما بر عهده داشته باشید مهم تر هستند.

این بیانیه بیانگر شکل و فرم شما می باشد: این بیانیه منعکس کننده شکل خاصی می باشد که خداوند بر اساس آن شما را ساخت تا او را خدمت کنید. وقت صرف کنید و بیانیه هدفمند زندگی خود را بنویسید. سعی نکنید که آنها را در یک جمله خلاصه کنید و نیز سعی نکنید در اولین صفحات، چیز کاملی از آن در بیاورید. این کار پر اهمیتی است و نیاز

به تمرکز دارد. فقط افکار خود را به همان سرعتی که به ذهنتان خطور می کنند بر روی کاغذ آورید. همیشه ویراستاری و تدوین از نوشتن و آفریدن راحت تر است. در اینجا پنج سؤال وجود دارند که در طی آماده کردن بیانیه هدفمند خود باید آنها را مورد توجه قرار دهید:

پنج سؤال بزرگ زندگی

چه چیزی در زندگی من مرکزیت خواهد داشت؟ این سؤال پرستش و عبادت است. برای چه کسی می خواهید زندگی کنید؟ دور چه محوری زندگی خود را بنا می کنیم؟ شما می توانید شغل و یا فامیل و یا ورزش و سرگرمی و یا پول و خوش گذرانی و بسیاری از فعالیتهای دیگر را مرکز زندگی خود سازید و بنای زندگی را دور این موارد پایه ریزی کنید. اینها همه خوب هستند ولی متعلق به مرکز زندگی شما نمی باشند. هیچکدام از آنها آنقدر قدرت ندارند که در هنگام فرو پاشیدن زندگی، شما را استوار و محکم نگاه دارند. شما به یک مرکز شکست ناپذیر و پایدار نیاز دارید. آسای پادشاه به قوم یهود گفت: "که یهوه خدای پیران خود را بطلبند" (دوم تواریخ ۴: ۱۴) حقیقت این است که هر چه در مرکز زندگی شما است، خدای شما است. وقتی که شما زندگی خود را تقدیم مسیح کردید، او به سوی مرکز زندگی شما حرکت کرد، ولی این شما هستید که از طریق پرستش، مسیح را در مرکز زندگی خود نگاه می دارید. پولس گفت: "دعا می کنم که مسیح از راه ایمانتان، کاملاً در دل شما جای گیرد" (افسیان ۱۷: ۳)

از کجا می فهمید که خداوند در مرکز زندگی شما قرار دارد؟ وقتی خدا در مرکز زندگی شما باشد، عبادتش می کنید و وقتی او غایب است، شما نگران هستید. نگرانی هشداری است که به ما اطلاع می دهد که خدا از مرکز زندگی ما کنار رفته است. به محض اینکه او را دوباره در مرکز قرار دهید، دوباره آرامش خود را بدست خواهید آورد. کتاب مقدس می فرماید: "از آرامش خدا بهره مند خواهید شد... این آرامش الهی به فکر و دل شما که به عیسی مسیح ایمان آورده اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید" (فیلیپیان ۷: ۴)

شخصیت زندگی من چه خواهد بود؟ این سؤال شاگردی است. چه نوع انسانی خواهید بود؟ خدا بیشتر به اینکه چه هستید اهمیت می دهد تا اینکه چه می کنید. به خاطر داشته باشید که شخصیت خود را به ابدیت خواهید برد و نه شغل و کار خود را. فهرستی از کیفیتهای شخصیتی خود که می خواهید بر روی آنها کار کنید تهیه نمایید و آنها را در زندگی خویش رشد دهید. می توانید با میوه روح (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳) یا موعظه سر کوه (متی ۵: ۳-۱۲) آغاز کنید. پطرس گفت: "برای دسترسی به این برکات، علاوه بر ایمان، به خصلت های دیگری نیز نیاز دارید؛ بلی، باید سخت بکوشید که نیک باشید، خدا را بهتر بشناسید و به اراده او پی ببرید" (دوم پطرس ۱: ۵) وقتی که دچار لغزش می شوید دلسرد و تسلیم نشوید. برای اینکه شخصیت مسیح در شما شکل گیرد یک عمر باید وقت صرف کنید. پولس به تیموتاؤس گفت: "به وقت مراقب زندگی و تعالیمی که می دهی باش، و آنچه را که راست و درست است انجام بده" (اول تیموتاؤس ۱: ۶)

سهم من در این زندگی چه خواهد بود؟ این سؤال مربوط به خدمت است. خدمت شما در بدن مسیح چیست؟ با شناخت عطایای روح و دل واستعدادها و توانائیا و شخصیت و تجارب (عداشرت)، نقش شما در خانواده خدا چیست؟ چطور می توانید در اطراف خود تغییری ایجاد کنید؟ آیا گروه مشخصی هستند که من مسئول خدمت به ایشان می باشم؟ پولس به دو نکته مفید در هنگام به انجام رسانیدن خدمت به خدا اشاره می کند: "بنابر این، از هدایای شما دو نتیجه نیکو حاصل می شود: یکی آنکه احتیاجات مؤمنین برطرف می گردد، و دیگر آنکه باعث می شود بسبب آن، خدا را شکر کنند" (دوم قرنتیان ۹: ۱۲)

اگرچه شما برای خدمت به دیگران طراحی شده اید ولی حتی مسیح هم نیازهای همه مردم را بر روی زمین برطرف نساخت. شما باید بر اساس طرح و شکل وجودتان انتخاب کنید که به چه کسانی و در چه زمینه هایی می توانید کمک نمایید. باید از خودتان پرسید که: دوست دارم به چه کسی بیش از دیگران کمک کنم؟ عیسی مسیح فرمود: "من شما را برگزیدم و مقرر داشتم تا بروید و میوه آورید و میوه شما بماند" (یوحنا ۱۵: ۱۶) هر کدام از ما میوه مخصوص به خودش را به بار می آورد.

ارتباطات زندگی من به چه صورتی خواهد بود؟ این سؤال در مورد مأموریت شما در باره آنانی است که هنوز مسیح را نشناخته اند. **بیانیه مأموریتی** شما، قسمتی از بیانیه هدفمند می باشد. این بیانیه باید شامل تعهد شما برای در میان گذاشتن شهادتها و خبر خوش انجیل با دیگران باشد. شما همچنین باید فهرستی از دروس زندگی خود و علائق خدایسندانه ای که احساس می کنید خدا به شما داده تا با مردم دنیا در میان بگذارید، تهیه کنید. در حین اینکه در مسیح رشد می کنید، ممکن است خداوند گروهی از مردم را به عنوان هدف برای شما قرار دهد تا با آنها باشید و در میانشان به عنوان وسیله ای در دست خداوند کار کنید. حتماً این را در بیانیه خود اضافه کنید.

اگر شما فرزندان دارید، بخشی از مأموریت شما این است که فرزندان خود را در شناخت مسیح تربیت کنید و کمکشان کنید که اهداف خود را در زندگی دریابند و سپس ایشان را بفرستید تا مأموریت خویش را در دنیا به انجام رسانند. اگر دوست دارید می توانید بیانیه یوشع را نیز در بیانیه تان قید کنید: "من و خانواده ام خداوند را عبادت خواهیم"

نمود: (یوشع ۲۴: ۱۵) البته می باید زندگی ما طوری باشد که بر پیغامی که ما به دیگران می رسانیم ارزش بگذارد و از آن حمایت کند. قبل از اینکه اکثر بی ایمانان بخواهند کتاب مقدس را قبول کنند و به آن اطمینان کنند، می خواهند بدانند که آیا ما به شخصه قابل اطمینان هستیم یا خیر؟ به همین خاطر است که کتاب مقدس می فرماید: "قطر از شما می خواهم که به شیوه شایسته انجیل مسیح رفتار کنید." (فیلیپیان ۱: ۲۷)

جامعه زندگی من چه خواهد بود؟ این سؤال مربوط به مشارکت است. از چه طریقی می خواهید به آنانی که مسیح را نمی شناسند نشان دهید که با ایمانداران دیگر ارتباط دارید و عضو خانواده خدا هستید؟ در کجا آن فرامینی را که در رابطه با "یکدیگر" داده شده به عمل می آورید؟ به عنوان یک عضو فعال، عضو کدام کلیسا خواهید بود؟ هر چه بیشتر بلوغ یابید و رشد کنید، به بدن مسیح بیشتر علاقه پیدا می کنید و می خواهید که خود را فدایش کنید. کتاب مقدس می فرماید: "مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود." (افسیان ۵: ۲۵) می باید در بیانیه خود عشق نسبت به خدا و کلیسای او را نیز بگنجانید. شما جواب خود را در کتاب مقدس و در تمام آیاتی که در مورد مشارکت و رابطه با یکدیگر صحبت نموده است می توانید بیابید. در همین کتاب نیز آیات زیادی در این زمینه وجود دارند. شاید هفته ها و یا ماهها وقت شما صرف نوشتن بیانیه ای شود که کاملاً مورد نظرتان باشد. در مورد این مسئله دعا کنید، فکر کنید و با دوستان نزدیکتان صحبت کنید و از آیات کتاب مقدس ایده بگیرید. ممکن است قبل از بدست آوردن آن نوشته ای که مطلوب نظرتان است کاغذهای زیادی را سیاه کنید و جملات زیادی بنویسید. حتی بعد از نوشتن و حاصل نمودن بیانیه اصلی باز هم امکان دارد در آن تغییراتی بوجود آورید زیرا خدا هر روزه با شما صحبت می کند و مکاشفات جدیدی از طرح و شکل شما، به شما می دهد. اگر دوست دارید نمونه هایی از بیانیه هایی را که دیگران برشته تحریر در آورده اند، ببینید برای من با پست الکترونیکی (ایمیل) نامه بفرستید و من آنها را در اختیارتان قرار خواهم داد (به ضمیمه ۲ توجه کنید).

به اضافه نوشتن بیانیه هدف زندگی به شما توصیه می کنم که بیانیه های کوتاه تری نیز تهیه کنید تا بتوانید آنها را به خاطر بسپارید و سعی کنید که پنج هدف اصلی را در آنها بگنجانید و با به خاطر آوردن آنها از ایشان الهام بگیرید. آنگاه می توانید هر روز آنها را به خود یاد آوری کنید. سلیمان اینطور نصیحت کرد: "زیرا حفظ کردن آنها در دل و قرار دادن آنها بر زبان، کار پسندیده ای است." (امثال سلیمان ۲۲: ۱۸) در زیر چند نمونه را ذکر می کنیم:

- "هدف زندگی من این است که عیسی مسیح را بپرستم و عبادت کنم و با تمام وجود دوستش بدارم، با همان طرحی که خدا مرا بر اساسش شکل داده، او را خدمت کنم، با خانواده روحانی ام مشارکت داشته باشم، در شخصیت هر روزه بیشتر شبیه او گردم و مأموریتی را که بر عهده ام قرار داده در دنیا به انجام رسانم تا او جلال یابد."
- "هدف زندگی من این است که عضوی از خانواده خدا باشم و الگویی از شخصیت او بردارم و همانند او گردم و به خاطر گذشت و محبتی که در حق من کرده است خدمتگزارش باشم و پیام آور کلامش گردم و جلال او را از طریق زندگی ام آشکار سازم."
- "هدف زندگی من این است که مسیح را دوست بدارم و در او رشد کنم، او را با دیگران در میان بگذارم، از طریق خدمت به کلیسایش او را خدمت کرده باشم، خویشاوندان و دیگران را نیز تشویق کنم که چنین کاری کنند."
- "هدف زندگی من این است که نسبت به مهم ترین و بزرگترین حکم و فرمان دنیا متعهد باشم و خود را نسبت به انجام آن مسئول بدانم."
- "هدف من شبیه مسیح شدن است، خانواده من کلیسا است، خدمت من است، مأموریت من است، انگیزه من جلال دادن خداوند است."

شاید تعجب کنید و از خود بپرسید که: "پس خواست خدا در مورد شغل و ازدواج من چه می شود؟ و یا کجا باید زندگی کنم و یا به مدرسه بروم؟"

صادقانه بگویم، اینها همه در مرتبه دوم در زندگی شما قرار می گیرند، و امکانات متعدد وجود خواهد داشت که همه آنها می توانند اراده خدا برای شما باشند. آنچه بیشتر از همه اهمیت دارد این است که بدون در نظر گرفتن اینکه کجا زندگی می کنید یا کار می کنید و یا با چه کسی ازدواج می کنید، اهداف ابدی خدا را به انجام برسانید. کتاب مقدس می فرماید: "انسان نقشه های زیادی در سر می پروراند، اما نقشه هایی که مطابق با خواست خدا باشد اجرا خواهد شد." (امثال سلیمان ۱۹: ۲۱) برای زندگیتان، بر اهداف خدا متمرکز شوید و نه بر نقشه های خود، چون این اهداف خدا است که تا ابد باقی خواهند ماند.

یکبار شنیدم که کسی می گفت بیانیه خود را بر اساس آن سخنانی پایه ریزی کنید که میل دارید در روز تدفین شما، دیگران در مورد شما بگویند. یعنی تصور کنید که می خواهید یک مقاله در مورد محسنات خود برشته تحریر در آورید و سپس بر اساس آن بیانیه هدفمند خود را بنویسید. نه! این روش درستی نیست، چون در پایان زندگی شما دیگر اهمیتی ندارد که در مورد شما چه فکر می کنند. تنها چیزی که مهم است، نظر خدا در مورد شما است. کتاب مقدس می فرماید: "ما در پی خشنود ساختن مردم نیستیم، بلکه خشنودی خدایی را طالبیم که دلهای ما را می آرماید." (اول

تسالونیکیان ۲: ۴)

به هر حال یک روز خداوند جوابهای شما را به این سوالات مرور خواهد نمود. آیا مسیح را مرکز زندگی خود قرار دادید؟ آیا شخصیت خود را همچون او رشد دادید؟ آیا زندگی خود را صرف خدمت کردن به دیگران نمودید؟ آیا خبر خوش را در اختیار دیگران قرار دادید و مأموریتتان را به انجام رساندید؟ آیا خانواده او را محبت نمودید و با ایشان مشارکت داشتید؟ اینها نکاتی است که از چشم خدا هرگز دور نمی ماند و بر روی آنها حساب می کند. همانطور که پولس گفت: "بلکه در محدوده کارهایی افتخار می کنیم که خدا توسط ما انجام داده است" (دوم قرنتیان، ۱: ۱۳)

خدا می خواهد از شما استفاده کند

حدود سی سال پیش، توجه من به یک جمله کوتاه در اعمال رسولان ۳۶: ۱۳ جلب شد که جهت زندگی مرا برای همیشه تغییر داد. روی هم رفته تمام آن از هفت کلمه (در زبان انگلیسی) تشکیل می شد ولی درست همانند اثر یک اتوی داغ در زندگی من برای همیشه این کلمات حک شدند: "اما داوود... به اراده خدا مردمان عصر خویش را خدمت کرد" (اعمال ۱۳: ۴۷ الف) حالا می فهمیم که چرا خدا داود را "مرغوب دل خود" (اعمال ۲۲: ۱۳) نامید. داود زندگی خود را برای به انجام رساندن اهداف خدا، تقدیم کرده بود.

فکر می کنم که در دنیا هیچ بیانییه ای عظیم تر از این نباشد. تصور کنید که یک چنین جمله ای بر روی سنگ قبر شما حک گردیده باشد: "کسی که در تمام نسل خود خدا را خدمت نمود." امیدوارم که مردم پس از مرگ من چنین نظری در مورد من داشته باشند و در این زمینه دعا می کنم. همچنین دعا می کنم که نظر مردم در مورد شما نیز همین باشد. به همین خاطر بود که این کتاب را برای شما نوشتم. این جمله، نهایت تعریف یک زندگی عالی است. شما اهداف خدا را بصورت نامحدود و جاودانی بجا می آورید و این کار را در طی نسل خود در محدوده زمان و بصورت موقتی به کاملیت می رسانید. این معنی یک **زندگی هدفمند** است. نه نسل دیروز و نه نسل فردا قادر هستند که امروز خدا را خدمت کنند. تنها ما در حال حاضر می توانیم این کار را انجام دهیم. همانند استر خدا شما را خلق کرده است تا در یک چنین زمان و موقعیتی او را خدمت کنید (استر ۴: ۱۴). خدا همچنان بدنبال افرادی می گردد که از آنها استفاده کند. کتاب مقدس می فرماید: "خداوند به تمام جهان چشم دوخته است تا کسانی را که از دل و جان به او وفادارند، بیابد و به آنان قوت ببخشد" (دوم تواریخ ۹: ۱۶) آیا شما کسی هستید که خدا برای به انجام رساندن اهدافش از شما استفاده کند؟ آیا اهداف خدا را در نسل خود به جا می آورید؟

زندگی پولس یک زندگی هدفمند بود. او گفت: "پس من این گونه می نوم، نه چون کسی که بی هدف است؛ و مشیت می زنم، نه چون کسی که هوا را بزند" (اول قرنتیان ۹: ۲۶) تنها دلیل او برای زندگی به انجام رساندن اهدافی بود که خدا برای او داشت. او گفت: "مرا زیستن مسیح است، و مردن، سود" (فیلیپیان ۱: ۲۱) پولس از اینکه بمیرد یا بماند ترس و واهمه ای نداشت. در هر صورت می خواست خواست خدا را انجام دهد. او حاضر نبود در این راه ببازد. روزی تاریخ به پایان خواهد رسید ولی ابدیت ادامه خواهد داشت.

ویلیام کری William Carey گفته: "آینده به روشنی وعده های خدا است." وقتی که به انجام رساندن اهدافتان سخت به نظر می رسد دلسرد نشوید. پاداش خود را به یاد آورید که برای همیشه جاودانی و پایدار است. کتاب مقدس می فرماید: "زیرا رنجهای جزئی و گذرای ما جلالی ابدی بر ایمان به ارمغان می آورد که با آن رنجها قیاس پذیر نیست" (دوم قرنتیان ۴: ۱۷)

تصور کنید که همه ما روزی در مقابل تخت پر جلال خدا بایستیم و به خاطر زندگی های خود از مسیح با قلبی پر از قدردانی تشکر کنیم و همگی با هم بگوئیم: "خداوند، جلال و حرمت و قدرت، برانزده توست، زیرا تو آفریننده تمام موجودات هستی و همه چیز به اراده تو بوجود آمد" (مکاشفه ۴: ۱۱) ما او را به خاطر نقشه اش ستایش خواهیم کرد و به دلیل اهداف او تا به ابد خواهیم زیست!

نکته مورد توجه: زندگی هدفمند تنها شکل یک زندگی حقیقی است.

آیه حفظی: "اما داوود... به اراده خدا مردمان عصر خویش را خدمت کرد..." (اعمال رسولان ۱۳: ۳۶)

سوالی که باید از خود بکنید: کی وقت خواهم گذاشت تا به پنج سؤال بزرگ زندگی جواب دهم؟ کی هدفم را بر روی کاغذ خواهم آورد؟